



عوامل تربیت فرزند صالح از منظر امام حسن مجتبی علیه السلام

پدیدآورنده (ها) : پاک نیا تبریزی، عبدالکریم

- ۹۸۳۱ فقه و اصول :: نشریه مبلغان :: مرداد و شهریور ۱۳۱

شماره ۹۶ از ۱۲۵

آدرس : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۰۴۳۵۱۳> تا

ثابت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور




عوامل تربیت فرزندان صالح

مقام

حسین مجتبی

عبدالکریم پاک نیا تبریزی



طلیحه

موضوع شناختن عوامل تربیت در این مقال، افزون بر اهمیتی که در خود مسئله تربیت است، به دیدگاه‌های شخصیتی برمی‌گردد که خود، نمونه بارزی از یک انسان کامل و تربیت‌یافته در مکتب نبوی، علوی و فاطمی است. همچنین او پرورش‌دهنده فرزندان است که هر کدام، اسوه‌هایی عالی‌اند و تجلی ارزشهای والای انسانی در تاریخ بشر شمرده می‌شوند؛ همان شخصیتی که

پیامبر اکرم ﷺ درباره مقام ارجمند وی می‌فرماید: «أَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ إِنِّي وَوَلَدِي وَمِنِّي وَتَرْوَةٌ عَيْنِي وَضِيَاءُ قَلْبِي وَتَمَرَةٌ قُوَادِي وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَهْرَهُ أَهْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي؛^۱ حسن، پسر من، و فرزند من و از من است، او نور چشم من و روشنایی قلب من، و میوه جان من است، او سید و آقای جوانان اهل بهشت و

۱. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۸، ص ۳۹.

گویندگان، نویسندگان و اندیشمندان نتوانسته‌اند افقهای اندیشه خود درباره آن گرامی را به جایی برسانند و تا کنون هیچ‌یک از ساحل‌نشینان این دریای ژرف و بی‌کرانه، نتوانسته‌اند تصور کاملی از ابعاد وجودی آن بزرگوار ارائه دهند؛ حتی مخالفان و دشمنان آن حضرت درباره اسوه بودن او در فضایل اخلاقی، اتفاق نظر دارند. ابن حجر عسقلانی از دانشمندان اهل سنت می‌نویسد که وقتی حسن بن علی (ع) از دنیا رفت، یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. حسین بن علی به او گفت: «تو با آن همه اذیت و آزار و مخالفت که درباره برادرم روا می‌داشتی باز هم گریه می‌کنی؟!» او گفت: «من با کسی دشمنی می‌کردم که صبورتر و حلیم‌تر از این کوه‌ها بود.»^۲

حجت خدا بر امت من است. دستوره‌ای او دستوره‌ای من و سخن او سخن من است. کسی که از او پیروی کند او از من است و کسی که با دستوره‌ای او مخالفت کند از من نیست.»

همچنین درباره اسوه تربیتی بودن او و پدر و مادرش فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلِيًّا وَرَوْجَهُ وَآبَاءَهُ حُجَجَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي، مَنْ اهْتَدَى بِهِمْ هُدَىٰ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ خداوند، علی و همسرش، [فاطمه] و فرزندانش را حجت‌های خویش بر آفریدگانش قرار داده است. آنان در میان امت من درهای دانش‌اند، هر که به آنان راه یافت به راه راست هدایت یافته است.»

عظمت و شکوه شخصیت حضرت مجتبیٰ (ع) به حدی است که

۱. شواهد التنزیل، قاضی ابو القاسم حاکم حکمانی نیشابوری، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۷۶.

۲. تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۵۹.

مقابل رفتار و گفتار حضرت مجتبی علیه السلام در مدت امامت آن حضرت، تسلیم محض بود.

تربیت در جامعه امروزی

امروزه موضوع تربیت، در جوامع و خانواده‌های مسلمان، مورد توجه است و هر پدر و مادری آرزو می‌کند که فرزندان خود را طبق رهنمودهای صحیح و اصول و ارزشهای الهی تربیت کند و در نهایت، فرزندی رشد یافته و کارآمد داشته باشد؛ بلکه اهداف عالی و اخلاقی تعلیم و تربیت از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی نیز است. سازمان ملل متحد در بند ۲ از ماده ۲۶ اطلاعیه جهانی حقوق بشر، چنین مقرر داشته است:

تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت و احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی منجر شود و تفاهم و اغماض و

درباره مقام بلند و رفیع آن حضرت، همین قدر کافی است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «مَا تَكَلَّمَ الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ إِعْظَامًا لَهُ؛^۱ امام حسین علیه السلام به سبب بزرگداشت امام حسن علیه السلام هیچ گاه در مقابل [سخن] او حرفی نمی‌زد.» امام صادق علیه السلام هم فرمود: «مَا مَشَى الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ علیه السلام قَطُّ وَلَا بَدْرَةٌ بِمَنْطِقٍ إِذَا اجْتَمَعَا تَعْظِيمًا لَهُ؛^۲ امام حسین علیه السلام به دلیل احترام به امام حسن علیه السلام، هرگز جلوتر از او راه نمی‌رفت و هنگامی که با هم بودند، در سخن گفتن [در بین جمع]، از امام حسن علیه السلام پیشی نمی‌گرفت.»

آری، حضرت سید الشهداء علیه السلام با آن جلالت و بزرگواری خویش، در

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹.

۲. مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، فضل بن حسن (نوه شیخ طبرسی)، نجف، نشر حیدریه، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۷۰، الفصل السابع عشر فی اکرام الشیوخ.

وراثت و محیط است. مهم‌ترین هدف از تشکیل آن، ایجاد و پرورش نسل جدید و هدایت آن به سوی اهداف عالی تربیتی است. خانواده، کانون مقدسی است که در پرتو پیوند زناشویی دو انسان، پایه‌گذاری شده است و با پدید آمدن فرزند، جلوه‌ای نو به خود می‌گیرد. نتیجه این پیوند، فرزندی است که هر کدام ممکن است بر اثر تأثیرگذاری خانواده در آینده، سربار یا سرباز جامعه باشند. روان‌شناسان اجتماعی، خانواده را یکی از پاسداران آثار تمدن و فرهنگ جوامع مختلف انسانی می‌دانند. مهم‌ترین رکن خانواده، پدر و مادر است. نقش والدین هم در قبال فرزند از دو جهت قابل بررسی است:

۱. جنبه وراثت: بر اثر آن، رنگ چهره و پوست، شکل استخوان‌بندی و سایر صفات جسمانی، و نیز بسیاری از خلق و خوئها، بیماریها،

مودت را بین کلیه ملل و دسته‌های نژادی و مذهبی به وجود آورد و باعث پیشرفت فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح شود.^۱

عوامل تربیت از منظر امام

حسن علیه السلام

در بررسی موضوع تربیت، یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی که توجه اندیشمندان علوم تربیتی را به خود جلب کرده است، عوامل و نقش‌آفرینان در عرصه تربیت‌اند. عوامل تربیت را می‌توان از چشم‌اندازهای مختلفی، تجزیه و تحلیل کرد که در این بخش به بررسی عوامل تربیتی با توجه به سیره و سخن حضرت امام حسن علیه السلام می‌پردازیم:

یک. اعضای خانواده

خانواده از مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرین در عرصه تربیت از نظر

۱. تربیت اسلامی، جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹

ش. قم، کتاب دوم، ص ۲۰۴.

شایسته و صفات خوب و پسندیده و سجایای اخلاقی و انسانی باشد. یک خانواده اصیل، زمانی می‌تواند در آغوش خود، فرزندان شریف و با فضیلتی پرورد که مدیر آن خاندان، دچار انحراف و انحطاط نشده باشد و سجایای عالیه خانوادگی خود را که سرمایه شرف و عزت آن خانواده است؛ مانند گوهر گرانبهایی در محیط خانواده خود حفظ کند؛ اما ضعف مبانی ایمانی و اخلاقی یک پدر، مانند بیماری سرطان بر پیکر خانواده اصیل و نجیب پنجه می‌اندازد و ریشه‌های فضایل و شرافت را یکی پس از دیگری از بین می‌برد.

مطمئناً اگر پدر آینده برای هر خانواده که به عنوان مدیر خانواده محسوب می‌شود، فردی با ایمان و صالح باشد، همسر و سایر اعضای خانواده را در پرتو مهر و محبت - که ریشه در ایمان او دارد - قرار می‌دهد

زیباییها و زشتیهای ظاهری به کودک منتقل می‌شود.

۲. از نظر محیطی: بر اثر محیط، نوع افکار و اندیشه‌ها، آداب و رفتار، سجایای اخلاقی، زبان، نحوه سخن گفتن و معاشرت با دیگران و فرهنگ و رسوم خانوادگی به کودک آموخته می‌شود.

وقتی سخن از خانواده به میان می‌آید در ذهن انسان، پدر و مادر جلوه می‌کند. کودک از مادر، درس زندگی، عشق و محبت می‌آموزد و از پدر، درس اقتدار، انضباط و چگونگی موضعگیری در برابر مسائل و حوادث اجتماعی.^۱

پدر صالح

پدر که رکن مهم خانواده است و به عنوان عامل محیطی و وراثتی، نقش ایفا می‌کند، باید دارای شرایط

۱. زمینه تربیت، علی قائمی، نشر امیری، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۱۸.

و عواقبی سوء در وجود طفل خواهد شد.

نقش مادر شایسته

مادر، رکن دیگر خانواده، نقش قابل توجهی در رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت‌های وجودی فرزندان در محیط خانه دارد، تا آنجایی که طبق متون دینی ما یکی از عوامل سعادت و شقاوت هر انسانی در گرو اعمال، رفتار و حالات مادر در دوران بارداری است و آغاز نیکبختی و یا انحطاط افراد، به آن دوران مربوط می‌شود.^۱ حضرت مجتبیٰ علیه السلام درباره نقش حساس و فوق العاده مادر، در ساختار هویت افراد، سخنی دارد که ما را در درک این مهم یاری می‌کند.

و بر اثر شایستگی‌های معنوی خویش، کانون خانواده را به محیطی امن و باصفا تبدیل می‌کند و زمینه رشد و تربیت فرزندان با ایمان و مسئولیت‌پذیر را فراهم خواهد کرد. پدر در کانون خانواده، نقش مدیریت دارد و مظهر امنیت، قانونمندی، عدالت و نظم و در مواردی که خوف و هراسی باشد، پناهگاه خانواده است و برای رفع سایر نیازمندی‌های خانواده از جمله نیازهای اقتصادی می‌کوشد.

او می‌تواند مشکلات فرزندان را حل کند و به آنان اعتماد به نفس بدهد. در عین حال، ریشه بسیاری از عصبی‌انها، لغزشها و گرایشهای ناپسند کودک، ناشی از اعمال خشمها و ایجاد رعبها و ظلمهای پدر است.

اهانتها، ضعف و سستی او در مدیریت خانواده، انحطاط اخلاقی پدر، باعث پدید آمدن آثار نامطلوب

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ: بحار الانوار، ج ۵، ص ۹، باب نفسی الظلم والجور عنه تعالی و تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۲۷.

بیش‌ترین اثر را دارد. او به عنوان عامل دیگر وراثتی و محیطی از هنگام انعقاد نطفه تا رسیدن به سن آموزش در فرزندان، بیش‌ترین نقش را ایفا می‌کند؛ به ویژه در نه ماه دوران بارداری و ایام شیردهی که در آغوش مادر یا در کنار اوست، ساختار روانی و اخلاقی کودک، هم‌زمان با پرورش جسم او در حال رشد است و مادر، اصلی‌ترین منبع تغذیه روحی و جسمی و محرم راز و ملجأ و پناهگاه کودک به شمار می‌رود.

بعد از سن آموزش، مادر باز هم نزدیک‌ترین یار و محرم اسرار فرزندان در سخت‌ترین لحظات زندگی کودک است و مؤثرترین مدل و اسوه مورد نظر برای اوست. بچه در سنین پایین در سایه مادر، راه می‌رود و رازهای زندگی خویش را کشف می‌کند و جهان و اطراف خود را در سایه رهنمودهای مادر می‌شناسد. امام

آن حضرت، هنگامی که با معاویه مناظره می‌کرد درباره یکی از علل انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی و گرایش او به باطل و کجرویها، به نقش مادرش هند اشاره کرد و فرمود: «معاویه! مادر تو هند و مادر بزرگت نثیله است، در دامن چنین زنان پست و فرومایه پرورش یافته‌ای که این‌گونه اعمال زشتی از تو سر می‌زند؛ ولی مادر من، فاطمه و مادر بزرگ من، خدیجه است.^۱ (سعادت ما اهل بیت پیامبر ﷺ، بر اثر تربیت در دامن مادرانی پاک و پارسا همچون خدیجه و فاطمه علیها السلام است.)»

مادر به عنوان سمبل عاطفه و مهر و محبت، در شکل‌گیری و رشد شخصیت روحی و جسمی کودک،

۱. احتجاج، طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳

انسان است و انسان، یک موجود اجتماعی و از ماده انس است و باید برای خود انیس و مونس داشته باشد، با او درد دل کند و مشورت کند و لحظاتی را سرگرم شود و از تنهایی به درآید. پس پرکردن این خلأ، یک نیاز طبیعی است و می‌توان گفت: خوش‌ترین و لذت‌بخش‌ترین لحظات زندگی یک کودک و نوجوان، دقیقی است که با دوستانش به سر می‌برد. بدون تردید، این همگرایی و همنشینی با دوستان، در یکدیگر مؤثر خواهد افتاد و در این تعامل، خلق و خوی و افکار آنان به همدیگر منتقل خواهد شد.

در مبانی دینی ما، به این نیاز طبیعی و هدایت صحیح آن، توجه خاصی شده است. پیشوایان معصوم (ع) در یافتن و نگهداری از دوستان خوب و مفید تشویق کرده‌اند. آنان ضمن بیان آثار مثبت و منفی

مجتبیٰ (ع) به همین دلیل برای داشتن مادری شایسته همیشه افتخار می‌کرد و می‌فرمود: «من پسر بهترین بانوان و سرور زنان عالمم. من، فرزند زنان نجیب و پاک هستم.»^۱

بنابراین ایمان و اخلاق والدین که دو رکن خانواده هستند، شرط اساسی در نیل به اهداف بلند و ایده‌آل تربیت است. همچنین برادران، خواهران و سایر اعضای خانواده و فامیل در امر تربیت، تأثیرگذارند.

دو. دوستان و همسالان

بعد از خانواده؛ دوستان، همسالان، همبازها و همکلاسیهای یک کودک می‌توانند به عنوان عامل محیطی، در تربیت و خلق و خوی کودکان و نوجوانان تأثیرگذار باشند. کودک و نوجوان، فطرتاً به دوستان خود گرایش زیادی دارد؛ زیرا کودک، یک

۱. صحیفة الامام الحسن (ع)، جواد قیومی، نشر اسلامی، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۸۴.

یاری کردن در سختیها برادری و دوستی کن.»

همچنین آن حضرت در بخشی از سخنانش که به جنادة بن امیه، در آخرین روزهای زندگی با برکت خویش بیان کرد، به نشانه‌ها و علائم دوست خوب و شایسته اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَ إِذَا تَارَعْتَكَ إِلَى صُحْبَةِ الرَّجَالِ حَاجَةً، فَاصْحَبْ مَنْ إِذَا صَحِبْتَهُ زَانِكًا، وَإِذَا حَدَّثْتَهُ صَانِكًا، وَإِذَا أَرَدْتَ مِنْهُ مَعُونَةً أَعَانِكَ، وَإِنْ قُلْتَ صَدَقَ قَوْلُكَ، وَإِنْ صَلَّتْ شَدَّ صَوْلُكَ، وَإِنْ مَدَدَتْ يَدَكَ بِفَضْلِ مَدَّهَا، وَإِنْ بَدَتْ غَنَكَ ثَلَمَتْ سَدَّهَا، وَإِنْ رَأَى مِنْكَ حَسَنَةً عَدَّهَا، وَإِنْ سَأَلْتَهُ أَعْطَاكَ، وَإِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتَدَأَكَ، وَإِنْ نَزَلَتْ بِكَ إِحْدَى الْمَلِمَاتِ وَاسَاكَ، مَنْ لَمْ يَأْتِيكَ مِنْهُ الْبَوَائِقُ، وَ لَمْ يَخْتَلِفْ عَلَيْكَ مِنْهُ الطَّرَائِقُ، وَ لَمْ يَخْذَلْكَ عِنْدَ الْحَقَائِقِ وَ لَمْ يَتَارَعْتُمْ مُنْقَسِمًا أَمْرًا؟^۲ اگر نیاز پیدا

رفاقت و مصاحبت، پیروان خود را به همراهی و همنشینی با افراد شایسته، دلسوز، امین، صبور و مهربان راهنمایی کرده‌اند. حضرت مجتبی علیه السلام نیز در تربیت فرزندان خویش به نقش حساس دوست و همبازی برای کودک عنایت ویژه‌ای مبذول می‌داشت و به فرزندش می‌فرمود: «يَا بَنِي لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَمَصَادِرَهُ، فَإِذَا اسْتَبْتَبْتَ الْخَيْرَةَ، وَرَضِيتَ الْعِشْرَةَ، فَأَخِذْ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ، وَالْمَوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ؛^۱ فرزندم! با هیچ‌کس دوستی مکن، مگر اینکه از رفت و آمد [و ویژگیهای روحی، اخلاقی و رفتاری] او آگاه شوی. هنگامی که دقیقاً بررسی و تحقیق کردی و رضایت به معاشرت با او دادی، آن‌گاه با او براساس چشم‌پوشی از لغزشها و

۲. بحار الانوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۴، ص ۱۴۰ و مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۱۱.

۱. تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن شعبه حرانی، نشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۳۳.

کردن اختلاف کردید، تو را بر خود
مقدم کند.»

سه. معلمان

اساتید، معلمان و اندیشمندان
جامعه، از دیگر نقش آفرینان در صحنه
پرورش و تربیت انسان‌اند. معلم در
نظر طفل، اقتدار و شخصیت ویژه‌ای
دارد و کودکان از حرکات و سکنات
وی تقلید می‌کنند و او را الگوی
خویش در نظر می‌گیرند. همچنین
حساس‌ترین دوران زندگی کودک در
مراکز آموزشی و مدرسه می‌گذرد و
مربیان و معلمان، به‌طور مستقیم در
شکل‌گیری تربیت وی نقش دارند.
تأثیر گفتار، رفتار و منش و در یک
کلام، تمام حرکات معلم و مربی در
رفتار کودک، امری مسلم و
تردیدناپذیر است. در این مرحله،
جنبه الگو بودن آنان برای
دانش‌آموزان کم‌تر از والدین نیست؛
بلکه آنان در این دوران، بیش‌تر

کردی که با کسی مصاحبت [و
دوستی] کنی، با کسی مصاحبت کن
که وقتی همراهی می‌کنی، زینت تو
باشد و هنگامی که به او خدمت
می‌کنی، از تو صیانت و پاسداری کند.
زمانی که از او کمک خواستی تو را
یاری کند. و اگر سخن گفتی، قول تو
را راست و درست شمارد و اگر با او
ارتباط داشتی، احترام و هیبت تو را
بیش‌تر نگه دارد و چنانچه دستت را
برای [کسب] فضلی دراز کردی،
همراهی کند و اگر آسیبی برایت بروز
کرد، جبرانش کند و در صورتی که از
تو نیکی ببیند، به حسابش آورد و اگر
از او چیزی بخواهی، بدهد و چنانچه
با او سخن نگفتی، او ابتدای به سخن
کند و اگر امر ناراحت‌کننده‌ای بر تو
وارد شد، همراهی کند. از ناحیه او
مشکل و سختی به تو نرسد. راههای
او بر تو مختلف نباشد [و با تو یک
رنگ و صاف باشد]. و در امور حق
تو را تنها نگذارد و اگر در تقسیم

صفات و اخلاق خود را از اساتید و مربیان خود می‌آموزند و تقلید می‌کنند. کودک و نوجوان، به شدت، حواس خود را به معلم محبوب خویش معطوف می‌کند، آن چیزی را ارزشمند می‌داند که معلم تأیید کند و آن چیزی را ناپسند می‌شمارد که مربی‌اش زشت بداند و سرانجام می‌توان گفت که رفتار و حرکات او تبلور شخصیت معلم و استاد است.

بنابراین مربی و معلم، حامل دو نوع امانت است: اول، علم و آگاهی که امانتی بس ارزشمند، و ادای این امانت در گرو عمل کردن به آن است. دوم، همان شاگردان معصوم که در اختیار وی قرار گرفته‌اند. معلمان و مربیان، ضمن آموزش به آنان و یاری رساندن در پرورش و شکوفایی استعداد دانش‌آموزان، راهنمایان قابل اعتمادی برای خوبیها و کمالات‌اند. با توجه به این نقش ارزنده آموزگار و

تأثیر چشمگیر او در نسل آینده، امام حسن مجتبی علیه السلام درباره نقش معلم، مربی و مبلغ می‌فرماید: «فَضْلُ كَافِلِ يَتِيمِ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَّقِعِ عَنْ مَوَالِيهِ، النَّاسِبِ فِي سِيَةِ الْجَهْلِ - يُخْرِجُهُ مِنْ جَهْلِهِ، وَيُوضِعُ لَهُ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ - عَلَى فَضْلِ كَافِلِ يَتِيمٍ يُطْعِمُهُ وَ يَسْقِيهِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى السُّهَاءِ!»^۱ برتری کسی که یتیم آل محمد علیهم السلام را سرپرستی کند که از پدران معنوی‌اش جدا شده و در ورطه جهل و بی‌اطلاعی فرو رفته است - چنانچه او را از جهل برهاند و امور مشتبه و به هم آمیخته را برای او توضیح دهد. بر کسی که یتیم [مادی] را سرپرستی کند و به او غذا و آب دهد، همچون برتری خورشید به ستاره [کم نور] سها^۲ است.»

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام.

قم، مدرسة الامام المهدي، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۴۱.

۲. کم نورترین ستاره‌ای که در جمع ستارگان

بنات النعش قرار دارد.

چهار. قرآن و پیشوایان دینی

از جمله عواملی که می‌تواند در تربیت و اعتلای شخصیت افراد تأثیرگذار باشد، قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان است. مریبان و والدین گرامی می‌توانند از این عامل ارزنده تربیتی در رشد شخصیت و تعالی روح خویش و فرزندان، به وجه احسن بهره‌مند شوند. حضرت امام مجتبیٰ (ع) در این باره می‌فرماید: «أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ الثُّورِ وَ شِفَاءُ الصُّدُورِ فَلْيَجْلُ جَالِ بَضْوَتِهِ وَ لِيَلْجِمِ الصُّفَّةَ فَإِنَّ التَّلْقِينَ حَيَاةَ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَبِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالثُّورِ»^۱ در این قرآن، چراغهای نور [هدایت] و شفای سینه‌هاست. پس باید هر جلا دهنده‌ای با نور آن [به قلب خویش]

جلا دهد و صفات خود را کنترل کند. تفکر در قرآن سبب زنده شدن قلب بیناست همان گونه که طلب کننده نور در تاریکیها به واسطه نور حرکت می‌کند.»

همچنین آن بزرگوار درباره نقش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در رشد و ترقی افراد و تأثیر پیروی از آنان در یافتن راه صحیح زندگی برای افراد بشر، چنین می‌فرماید: «نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ الْغَالِبُونَ، وَ عِتْرَةُ رَسُولِهِ الْأَقْرَبُونَ، وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الطَّيِّبُونَ الطَّاهِرُونَ، وَ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ اللَّذَيْنِ خَلَفَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي أُمَّتِهِ وَ التَّالِي كِتَابِ اللَّهِ، فِيهِ تَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ، فَالْمَعْمُولُ عَلَيْنَا فِي تَفْسِيرِهِ لَا تَنْظُنِّي تَأْوِيلُهُ بَلْ تَتَيَّمَنُ حَقَائِقَهُ، فَاطِيعُونَ فَإِنَّ طَاعَتَنَا مَقْرُوضَةٌ، إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولِهِ مَقْرُوزَةً، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾»^۲ ما ایم حزب پیروز

۱. کشف الغمه، علی ابن ابی الفتح اربلی، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۵۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۲ و مسند امام مجتبیٰ (ع)، عزیز الله عطاردی، تهران، نشر عطارد، ۱۳۷۳ ش، ص ۷۲۴.

۲. امالی مفید، محمد بن نعمان بغدادی، قم، نشر کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۴۸.

جامعه، شایسته است که از تأثیر این دو عامل اساسی غافل نباشند و در تربیت فرزندان به این مسئله، کمال توجه را داشته و در حد امکان با روشهای دلپسند و جذاب، تأثیر آنان را مد نظر داشته باشند.

امام مجتبی علیه السلام در گفتاری، مقام و عظمت اهل بیت علیهم السلام و موقعیت آنان را در رهبری افراد بشر و هدایت استعدادها و پرورش و تعالی روح و روان انسانها چنین ترسیم می‌کند: «إِنَّ الْأَئِمَّةَ مِنَّا وَإِنَّ الْخِلَافَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا فِينَا وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَنَا أَهْلَهَا فِي كِتَابِهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ وَإِنَّ الْعِلْمَ فِينَا وَتَحْنُ أَهْلَهُ وَهُوَ عِنْدَنَا مَجْمُوعٌ كُلُّهُ بِخِذَابِهِ وَإِنَّهُ لَا يَخْدُثُ شَيْءٌ إِلَّا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى أَرِشَ الْخَدَشِ إِلَّا وَهُوَ عِنْدَنَا مَكْتُوبٌ بِأَمْسَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِحَسْبٍ عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِنِدْوَةٍ^۱ پیشوایان [هدایتگر] از ما اهل بیت علیهم السلام هستند و خلافت صلاح نیست مگر در بین ما باشد. و خداوند

خداوند و خاندان نزدیک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خانواده پاک و پاکیزه او، و یکی از دو چیز گرانبهایی هستیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از خود در میان امتش به جای گذارد و ما جفت و همدوش کتاب خداییم که تفصیل هر چیز در آن است و هیچ‌گونه باطلی از پس و پیش در آن راه ندارد. پس اعتماد و اطمینان در تفسیر آن بر ماست و ما در تأویل آن راه گمان نپوییم؛ بلکه حقایق آن را به یقین می‌دانیم. پس، از ما اطاعت کنید که اطاعت ما واجب شمرده شده است؛ چرا که به طاعت خداوند - عز و جل - و رسولش مقرون شده است. خداوند عز و جل فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا و رسول او و صاحبان امر، اطاعت کنید.»

آن حضرت درباره تأثیر عمیق و ریشه‌دار قرآن و پیشوایان معصوم علیهم السلام بارها سخن گفته و مردم را با این دو عامل تربیتی و انسان‌ساز آشنا ساخته است. بنابراین بر اولیا و مربیان دلسوز

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۷.

اهل بیت (ع) هم فطرت پاک انسانها است: ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱ «این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده و دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند.»

در نتیجه، محتوای پیامهای آسمانی قرآن و رهنمودهای دننواز پیشوایان معصوم (ع)، همانند آبی گوارا و زلال، عامل حیات، رشد و تربیت همه طبقات افراد بشر است.

پنج. اندیشمندان و عقلای جامعه

امام حسن (ع) علاوه بر اینکه ارزش و اهمیت معلمان و تأثیر آنان را در پرورش استعدادهای نسل جدید بیان می‌کند، به معرفی مرییان و تأثیرگذاری مهم جوامع، مانند

در کتاب و سنت پیامبرش، ما را اهل آن قرار داده است.

علم در بین ما است و ما اهل آن بوده و تمام آن علوم مجموعاً در نزد ما است و تا روز قیامت، چیزی حادث نمی‌شود حتی غرامت یک خراش، مگر اینکه آن مطلب به املاء پیامبر (ص) و دست خط علی (ع) نزد ما موجود است.»

گفتنی است که رهنمودهای قرآن و اهل بیت (ع) نه تنها برای سعادت مسلمانان، بلکه برای کمال و تربیت تمام افراد بشر تنظیم شده است. آوای ملکوتی و وحیانی آنها با سطح فرهنگ تمام طبقات مختلف مردم، هماهنگ است؛ چرا که انسانها در فرهنگها و ستهای قومی و جغرافیایی با هم اشتراک ندارند؛ اما در فرهنگ انسانی - که همان فطرت پایدار تغییرناپذیر است - با همدیگر مشترک هستند و مخاطبان قرآن و

شش. کانونهای اجتماعی

از عوامل کارساز در امر تربیت، مراکز اجتماعی و محافل مذهبی و تفریحی را می‌توان نام برد؛ زیرا انسان در محیط زندگی خویش و با نشست و برخاست در چنین مجالسی در مجموعه افکار و اندیشه‌های خود تأثیر و تأثر می‌پذیرد.

فرزندان جامعه نیز بر اثر معاشرت با مجالس و محافل و شرکت در گروه‌ها و تشکیلات مذهبی و تفریحی، تحت تأثیر رفتارها و حرکات آنان قرار می‌گیرند. اکنون اگر اعضای آن مجموعه‌ها از افراد نیک‌اندیش و دارای افکار سالم و مثبت باشند، بر سجایا و روحیات کودکان و نوجوانان تأثیر مفید و مثبت خواهد گذاشت و اگر از افراد سست‌ایمان و ناسالم باشند، بدیهی است که نقش آنان، منفی و مخرب خواهد بود.

اندیشوران و خردمندان نیز پرداخته، تأثیر آنان را در پرورش خلاقیتها و شکوفایی استعدادهای مردم، یادآور شده، می‌فرماید: «إِذَا طَلَبْتُمْ الْحَوَائِجَ فَاطْلُبُوهَا مِنْ أَهْلِهَا قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ أَهْلِهَا؟ قَالَ الَّذِينَ قَصَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَذَكَرَهُمْ فَقَالَ: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ»^۱ قَالَ هُمْ أَوْلُوا الْعُقُولِ؛^۲ هرگاه می‌خواهید نیازهای [علمی و روحی] خویش را برطرف کنید آن را از اهلسن بخواهید. گفته شد: ای فرزند رسول خدا! چه کسانی اهلسن هستند؟ فرمود: همانهایی که خداوند در قرآن از آنها یاد کرده و فرموده است: «تنها خردمندان و صاحبان اندیشه پند می‌گیرند.» و امام فرمود: آنان اندیشمندان و عقلا [ی جامعه] هستند.»

۱. رعد / ۱۹.

۲. الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۲۰.

در این گونه اجتماعات، افراد متعهد خیرخواه و آشنا به نیازهای نسل جدید باشند و اولیا و مربیان نیز در مدیریت و اداره و رفق و آمد فرزندانشان به این مجموعه‌ها نظارت کنند، این مراکز، تأثیر شایان توجهی در پرورش عقیدتی، جسمانی، روانی و اخلاقی کودک و نوجوان خواهند داشت.

در این باره، امام حسن مجتبیٰ (ع) سخنی دارد که راهکار سودمند و درخور توجهی برای والدین، مربیان و فرزندان است. در این کلام نورانی، آن بزرگوار، علاوه بر یادآوری اصل تأثیرگذاری مسجد به عنوان یکی از مجالس و کانونهای اجتماعی، به شرکت جستن در آن توصیه و ترغیب کرده، می‌فرماید:

«مَنْ أَدَامَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ،
أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانِ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ وَأَخْأ
مُسْتَفَادًا وَعِلْمًا مُسْتَعْرَفًا وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً
وَكَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تُرُدُّهُ عَنِ رَدَى

اینها عوامل مهمی هستند که در ساختن یا ویران کردن بنای اخلاقی کودکان، نقش اساسی دارند. چه بسیار، انسانهای پاک و شریفی که بر اثر اختلاط با گروهها و محافل منحرف، ایمان و اعتقاد خود را از دست داده‌اند و به یک فرد ناصالح و سربار جامعه تبدیل شده‌اند. در مقابل، افراد ناشایست بسیاری را سراغ داریم که با ورود به محافل مذهبی، علمی و فکری، اخلاق و منش و رفتار خویش را تغییر دادند و به فردی مفید، شریف و بزرگوار حتی سرسلسله و رهبر فکری آن مجالس سالم و ارزشمند بدل شدند.

در عصر ما کانونهای اجتماعی را می‌توان تحت عنوانهای ورزشی، تبلیغی، تفریحی، ادبی، مذهبی و ... غیره نام برد. اگر این مراکز، تحت کنترل و مراقبت دلسوزان و عقلای جامعه باشند و متولیان و گردانندگان

السُّوءِ يَغْرُ جَلِيئَةً^۲ فرزندم! از حضور در مجالس و محلهایی که تهمت‌زا هستند و گمانهای بد درباره آنها می‌رود، بپرهیز، زیرا همنشین بد، انسان را فریب می‌دهد.»

بنابراین رفت و آمد به مساجد که از محافل سالم و مفید و از مهم‌ترین مراکز تأثیرگذار فرهنگی، معنوی، سیاسی، عبادی و اجتماعی در جوامع مسلمانان است، در رشد و تکامل شخصیت افراد کاملاً مؤثر است.

اگر والدین و مربیان بتوانند فرزندان خود را با چنین مراکزی و یا اجتماعاتی مطمئن، مانند اینها و در این راستا آشنا کنند و کودکان و نوجوانان با میل و رغبت به این محافل بروند به سازندگی و بالندگی و رشد روحی و روانی آنان کمک قابل توجهی می‌شود و بدون تردید

وَتَرَكِ الذُّنُوبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً^۱ کسی که پیوسته به مسجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از این هشت بهره؛ نصیبتش خواهد شد: ۱. یافتن دلیل محکم و قاطع [در راه هدف]؛ ۲. آشنایی با برادران مفید؛ ۳. [استفاده از] دانشهای نو و اطلاعات تازه؛ ۴. رسیدن به رحمتی مورد انتظار [از طرف خداوند]؛ ۵. آموختن سخنانی که هدایت می‌کند؛ ۶. یا کلماتی که او را از پستی باز می‌دارد؛ ۷. ترک گناه و معصیت به دلیل شرم یا ترس.»

امیر مؤمنان، علی علیه السلام در گفتاری راهگشا به تأثیر منفی محافل و مجالس غیرسالم و نامطمئن اشاره می‌کند و فرزندش را از حضور در آن باز می‌دارد و به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «إِسَاكٌ وَ مَسَاوِطِنَ التَّهْمَةِ وَالْمَجْلِسِ الْمَظْنُونِ بِالسُّوءِ، فَإِنَّ قَرِينَ

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷، باب کراهة دخول موضع التهمة.

۱. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۲۳۵.

و محلهای دینی ببرند و این کار را با خاطرات خوش و شیرین همزمان و قرین سازند تا اینکه کودکان با عشق و علاقه به این اجتماعات راه یابند و از جو معنوی و فضای دوستی و دوست‌داشتنی آن، کمال استفاده را ببرند. گفتنی است که نقش حساس متولیان و گردانندگان مساجد و اجتماعات دینی در آماده ساختن زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای پوشش فرهنگی نسل جدید، نباید فراموش شود.

به سرعت پرورش و رشد کودکان در جهت کسب کمالات و خصال پسندیده افزوده خواهد شد.

امام مجتبیٰ (ع) در حدیث دیگری از افرادی که مساجد را ترک می‌کنند و در اجتماعات مسلمانان در مساجد شرکت نمی‌کنند انتقاد می‌کند و آنان را به غفلت و بی‌خبری نسبت داده، می‌فرماید: «الْفُغْلَةُ تَرُكُكَ الْمَسْجِدِ وَطَاعَتِكَ الْمُفْسِدَةُ»^۱ غفلت، آن است که مسجد رفتن را ترک کنی و از انسانهای فاسد، پیروی کنی.»

یکی از راههای انس کودکان و نوجوانان با این مراکز و محافل مفید، آن است که اولیای گرامی با ایجاد ارتباط دوستانه و صمیمی با فرزندانشان، آنان را به مجالس مذهبی

۱. العدد القویة، علی بن یوسف بن مطهر حلّی (برادر علامه حلّی)، مکتبة آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۲ و بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۴، باب مواظب الحسن بن علی (ع).